

مدرسینه سرگردان شود دیگر اهل و پنهان است
و نسبت آن باست و مدرنسینه سنجیده من شود تا
ادغام نامهای کی میان آموزهای الهی و آموزهای
پیغمبری رخ هیان نکند چه دین امر نفسی و حیاتی
است که التزم به آن وجوب اصراری از پرخی
تعصیات ملادی و این جهانی احاطه می‌کند
عصر نقادی فروشنگفری دینی تسبیث به
پدیدهای مسلسل «ذلت دین» است ادغام گلوب
دین در گستره معتقدان خشیست غریب نگرش
اسلامی والهایی محلی از تصرف از نعم پایان
چشم‌گشتن و مطلعات آن باعمر فتح جنی لوح
ستز در آیده با پوشیده مدد گویند به دین
حشر و عهت «گب گند گل سنت نه شاهر
دینی تمام نیست بالکه باشد اسلام دین را یکی اول مر
آن فهم کرده در دین فراز سر اشاره و تفسیره
خطیب به قصد فلاح در دنیا و حقیقی است لاما
خر سنت امر از پدیده هدایت حضور است است
که نکدست خشنهای بر لوله و به اختراع هن
افقی «وارد آیده اگر ادغام نامهای من و دین
چیزی کیوره سنت من کوشیده هر مصادف با مخالفت
و زیدن با خوش از مظاهر دین به مقابله پر خیزد
ومجازات عقیقی را در دنیا اجراء کنند امری که هر
تفتریش بالآموزهای الهی است

لما مذاقه تو ملب سنت و مدرنیته و
شرحه شرحة کردن آن و زد و پیرایه ها و
بدپنهان های مستتر در آنان، از پایگاه هنر دین «
است. پایدار پایگاه دین هر سنت و مدرنیته نظر
اختکند و سره و ناره را با هم تمیز ندان و تبریزی
خلق شود که توزن آن دلالت بر علاحتیت فطری
داشته باشد که دیات مزید آن است

دکتر سروش گفتند که تقادی روشنفکری
دینی پاپاگاه معرفتی «علوم انسانیه است» اگر
چنان باشد پسوند «دهنی» دیگر محلی از اعراب
نمایند چرا که روشنفکری برای خود پذیری گزیده
است و دیگر رایه کلر نهاده چونکه می‌توان
از روشنفکر دینی بود و برای پوکرد پرسه دهنی
خود پایانگاهی را مختار کرد که قضاۓ مناسخ از
امور معايی دینی را فتح می‌کند

دستان معمایی
این اثبات که سقف میمیشت رو راهیت از انسان
به دین لسته همان سخنی است که گله علوم
دان هم برگوی و بوزن آن سخنی من گویند از
همین رومت که پایداری مجدده در پایان آن گذشت
اما زکر همین نکته بس که رو راهیت در اصل عمل
به دین لسته کل رگزار منتهی چه آنکه اگر قصد
گردید شسته پر دین تقویت یابد خود به خود آور
ترجیح هر راهیت ساقط است در ضمن این اعلان
از مست بعوان یک دشمن توریک استفاده
کی نکنند پس به نظر می مسد گزاره هر راهیت
ستی «بیشتر لذت بردنی سوابی غیر مت قابلی دارد

11

باید پرسید این اجتهد در اصول چه بناهی است؟ این اصول کدام نیست که باید در آن اجتهد و زیرینه ای امامت نیووت عدل بالغیران را توحید؟ مگر روشنگری دینی، فراز است دین جدیدی خالق گند که اجتهد در اصول به عنوان چنین خودروزی امن مردمی می شود؟ ازان گذشته مکرر تایه حال از ظرفه و عمر فرشتلسی هر گفتش های پژوهشی اسلامی سخن به میان ارقفسه که حلال از تیاز نام و فریاد بر قرن ای جمودفه و حقوق سخن گفته می شود آنچه که ایشان تحقیق نام دارد ایلاد و فبلادی متعصب نام پرسید هیچ معتقد ای شور و ک محصلی ندارد ایشان تقدیم معنایی مدری و سه و ایمداد طرفی کردند و دیانت و ادیان پر ابر



طريق فی الرمیادی

وادرایور روش‌فکری دینی به چرخش در اوردنده اینجاست که روش‌فکری دینی اصلی ترین پایگاه

نحو در از کشیده دهد
نحوت هستندلار و دیگر همراهیت ها
این دو طبق اگرچه از گوش و پوش اجتماعی
متغیری بوده اند بر شده اند از غایب نظر روزی
خوبیش در رواب هروشنگری دینی به محیط
مشترک کی در متنده هر دو جم جم روش نگری و
دینی ای اغیر ممکن و غلقوں من دانند و بالان

عده و مخلطه رایه ذات مفهومی آن را همچو
گفتند استدلال که روشنگری مخلوط و تبلیغ از پارادیم
مفترضه است و دین ماهیت قدسی و خداشناسیدگی
 Marl و چون و چنان روشنگری در آن ناممکن
استه منتها حکم منهد روشنگری دینی،
جمع شدن است و ایجاد هاعنگی میان آن دو
تلائی است عیشه.
چنان از این دلایل گروهی نیز در این مرزو
بهم گذاران سپاه ای کامیته و شورای
که مخفیانه باشند برقا است.

دستوری که از این میان اینکه میتواند در این مورد مفید باشد، میتواند این است که از این دو نظریه از آنکه این اتفاق را میتواند بر اثر تغییراتی که در این میان اتفاق افتاده است، تفسیر کند. این اتفاق را میتواند بر اثر تغییراتی که در این میان اتفاق افتاده است، تفسیر کند. این اتفاق را میتواند بر اثر تغییراتی که در این میان اتفاق افتاده است، تفسیر کند.

نخستین مقوله‌ای که در باب خطاب دکتر پروش به نظر می‌رسد نارسایون تلقی ایشان از مشتکه است.

میتوانند از این مقاله برای تحقیق در مورد این مسئله استفاده کنند.

روشنگری دینی و منقادیش
مفهوم روشنگری دینی^۱ در اسرائیل بس از
انقلابی از جمله گزارمهای نگون مخنی است که
تابع محابرات می‌باشد و جدل‌های معمولی به
تمکن قدرت شده است. نازارین مفهوم مخنی
به میان سی‌ای‌ب‌الارثیت از اهل متوجه یک گروه
سیاسی می‌شوند تاچال که گویا می‌توان برای
آن اهل ولائل فلسفی و دینی قائل شدمیرهین
اسباب است که صحن گفت و نکاششین در این
خصوص مقتدره پیموده برای تدقیق داده است
و هر آنچه بیم آن می‌رود که تأثیل‌های سیاسی
وزرمهه بر پیام و فحص پرآمدیده اگر مستولی
شود او یا هم شبه همانه معاصر و زنگارهای سنتی
و عطی حقیقت مطلاقاً درون دین این مفهوم را
در حجاج ظلمانی خویش مستور مازد تایله هر
روزی از آنجا که مایا پیده‌های سهلین و یک هزاره
المیانی موججه سکوت در پاران و تسلیم
افتخارات سیاسی و اختلالات تاریخی شدن
شرط دینداری و روشنگری را به جایی آورد
دو طایفه درین مرز و برمیانه سرطان و نظر

اگر در پیوند تکاتک با تقلبات متناسب نیامنی کرده
لمروز چنان‌چه شبه لیرالایسی، در هیات یک
حصافظه کلری شد تقلباً رسخ من نمایندگانها
گذربایه اقتصاد سیاسی به صورت مفعکی
مشاختارشکنده عرض اسلام می‌کند چنین
است که گست معرفتی این گذرسیاسی شبه
تذوق‌کنندگانی که روش‌تفکری دینی، بنا به
سلط مفهومی و ذاتی خود باید جلوه‌گر شود
باعث عدم کلاری و تنزل آن می‌شود

بیر مسکنی سه سیمی روشنگری بی
در پیشان پس از انقلاب است که واقعیت‌های
متضادی را از شوده و روز دیده با چشم
تروریستی می‌گرد (مجاهدین خلق) با افزایش
پوشش می‌کند (بخشی از تروریستی ملی مذهبی)،
با امامت گرفتن از یک پراگماتیزم کور با هستان
صبیغی خود که خامسنه معرفتی متضاد با
عبداللطیف خاتمی روشنگری دینی دارند پیوست
می‌خورد (نهضت اسلامی).

امروز روش‌تفکری دینی ملّت‌های اسلامی است
نه حسله‌گشایی به صورت دم‌خش و کتمان
سوزی به تضاد دین و اسلام اشارتی می‌کند
و می‌گذرد. دیرگاهی است که روش‌تفکری دینی
گزینی از مسائل روزمره مانگشوده و دلخی
نمایانده است، چرا که خود درین بین‌النیّات
سیاسی گرفتار آمده است. روش‌تفکری دینی
که قرار مودود امیر نعمت‌الله وزیر خانی کندو
پرداز از انتراق سنت و دین بردارد، اینست
فرمایستی سیاست‌شوری وطنی، چهل به پیک
حست ایستا شده و خاطره‌گویی‌هایی بی حد
و جصرش و نکرار مکرات نلاش‌های پیش از
تفقلابه آن راه «آن‌بون روش‌تفکری دینی» معاصر
بدل ماخته است

این اقیون روش‌گذارانه در عرصه تئوری مکه فقط در حال هستمندی‌هایی است که در نهایت به انسحاب تبروی افرینشی روش‌گذاری دینی در تجلد

تایه قصده تنبیجه
تفسیرهای رملنگ لز هروشندکری دینی
چیزی فیست جز هلهای وهم آلمه برای پوششدن
ناگلکنی‌های تاریخی روشنگری دینی در ایران
اگرچه زمانی نامور بود و در پروردگاری شغل
اجتماعی مسهم و ادارا بوده اما امروز حتی از
بخارا در سرمه که اینجا نیست

بنابراین تباز به هزارشانسی مفهومی
روشنگری دین، عدول از سیاست روزمره و
توجه به وجود قائم سیاست از جمله کار و زیمایی
لست که احدها مغقول واقع شدن آنها به فروپاشی
ظاهرمند روشگری دینی ایجاد و بقای آن
را انتها به حضور در حظمهای خاص و زمانهای

خواص منوط می‌گند.

روشنگری دینی پاید خود را تعریف کند و
پنود در کلام پانکه ایستاده است. روشنگری
دینی قرار بود حکمت مخلصه باشد، نه همیشه
درست و گریز تعریف شود. روشنگری دینی

قرابوود گرمه از بخت ناکام طیفی از جامعه بگشاید
که نه متعجب رند شده باشد گر و خدیدن، بلکه
من خواهد «حاصل» داشته باشند که در عین
ثبت بر من، پویانی زینتی و اجتنابی میلیم و
به آن انتبا کند لاین جامعه دریاقه است که
من پویانی در عین ثابت بودن اصول همان‌ادر
پایگاه دیانت و لور قدسی یافته می‌شوده‌دست

روشنگری دینی به فرقه‌ای شیه مذهبی پدل می‌شود که همانند دیگر فرقه‌های اهل‌بیانش از فرقه دیگری منفصل است. اینکه روشنگران از هنرمندان و پژوهشگران خود را به جهه مذهبی است؟ آیا فرقه‌است باجهنه‌هاد در اصول مثلاً قبل‌پیمان تغیر کردیا؟

من در مسکن خود روزگاری داشتم که قطعاً
از روشنفکری دینی به دست می‌داد که قطعاً
متنضم پک روپوره لیدنالدستی، خشی و پر
لست و شاید تمریض منزح برای متصل کردن
بیش از پیش فلسفه عقل‌گرایی وطنی؛ لاستهای
کوچک و بزرگ

لما چنان می بینید که این
برای «عقلانی» نشان دادن آن
خود را بگردید. مخفالت است
که غلام نلم سپلت با این پروزه
لبه تئوریک مکتله استی تا جایی
بلا ایمی گیره که هموز مذهبی

می بزرست خرف سهان را پیرست
می ادایه آنها پر گرد لیسرا لیل را
سکولار. پسیل خشند کننده بود
که پاره ای از «کاکز جزازان» صریح
علام کرده دامال برایم». کری
اصغر، پی
تنهایی
در تیات
رد و تپرده
نمی ترین
من پیدا
بر قلمای
جهه» است

پیش از هر چیز مودتگار است، نه لبیرال بالان
و سف پس اکبر پلراهی از «کلک گزاران» لبیرال آنده
بود لبیرال نیست
لادست روش‌نگاری دینی
در خطابه استند سروش به نیکی به این امر
اشارة شده بود که روش‌نگاری دینی در ایران به
منایه یک حیثت «نموده نیافته است و بالطبع
هنوز مر آنکه تظریات خوبش دچار مشکل است
چرا که گوش شنواری، ایرانی خود در طبقه مسلط

اجتماعی زمان نمی پند.
روشنگری دینی و عقلي معاصر، بر عکس
رهبران فكري اي چون مرحوم شرقي، اي به
واقعيت هايي که عمق درينات و کنش فردی
ايرانيان زاده نيرده است که بالطبع بهينه ترين
پند آن بدل شدن فرقه هاي روشنگری معاصر
هر گذار دیگر فرقه هاي روشنگری معاصر
استه روشنگری دینی معاصر نمی خواهد
پايانی آورده به هشتاهي تاریخي توجه گند
و فکري انساني را رشته دهد که منضمن
هزاشاخت انتخابهای ارزشی و اجتماعی ايران
و همسو گردن ذهن مشتت و منقاد خوده بالان
پاند.

تھے۔ فرد کو ایسا subject، روشن فکری دینی کہ تمہارے حقوق نام پر اسلام معرفتی مدنیتیہ برائیں ملائک لئے تھا۔ اس لئے اُن سے کہ جسے معرفت قدسی اور قدرت پاپدھیں حصی درستھن کو کوئی انشا یہ عنوان روشن فکری دینی اپنی پایا۔ درستھن کو درستھن کی روشن فکری دینی ملنا صاریح طبق مذکون طاعنے ہے۔ مولود از بیم مستف شدن یہ صفت ہندستیلہ کر کے اپنے کلکار آن روزی اور دو ماہ استلام

هزوز حکم آیدنلوئیک ساحر من کندان نکلیف
خوش و انس دلشد
روشنگری دینی، معاصر گویا شرم در دل ادعیه
و اذکار بکده گویی توجه و بحث و فحص تظری
راملاذر راپ «دعا» دون شان خود می داشتا
خطبه های روشنگرکان دینی میروزه گاه، جناب
یه همتاپان سکولار خوده تزدیک است که افتراق
معرفت شناختی میان این دو سوگیری تجزییک و

زیست-جهانی در نظریک روشنفکر دینبلار همانا
در «عینه» و مبایزه «جلوه» می-گذارند چنان
لست که این مردم بالامولی چون دموکراسی-به
منابه روش نه ارزش- و آزادی بیان- آزادی فکر و
حقوق مدنی شهروندی سراسر ایش خارج نه شنیده
چراکه قصور و محدوده در وجوده منتوی دین مزید
از این این

این مورخ است بروی مادرسته مدرسه
گویا و اتراز خشوع تبریز رئات دیده است که
از عدم سازگاری دین و فلسفه مخن میراثیم و
از لذون وسطانی روشنگری دهنی وادم گذیدم
قرآن وسطانی روشنگری دینی هنگلی آغاز شد
که هیراگامانیزم بوجای اصول
نشست و دفعه‌گاه کسب قدرت
بر دفعه‌گاه حفظ دیده مسیل
گشته تا جایی که شکفت آور ترین
فصل تاریخ تفکر در این مژده و بزم
گشوده شد و این تئوری پوروزاری
کلامی بر اسلام تنبیمات سیلی

دروزه بود.
نگاه استورهای
استاد سروش، در خطابه خود
و نسخه‌حال نگاه استورهای به
دین هر ایرانی پس از انقلاب مخن
می‌دانند سخنی که مشخص نیست
چرا به «ست گرایان» منف
می‌شود چنانکه سنت گرایان نهان
به دین نگاهی شریعت مألهه
دانند و آن را در «حکام» خلاصه
می‌ساختند حال آنکه بخش از
جهش روشنگری دینی هر ایران
همش از انقلاب بود که در تحریرهای
الخطاط خوش می‌دانست الله شمی

و اتحاد مبارزات چریک های مارکیت فرو
که همچند پوسته تسویری که این طبقه از مبارزات
شیمی لرگ می داند، دقیقاً استحاله مبارزه
نفسی به "کش سیالی - افلاکس سکوالر"
بود. پس جایی برای منصب کردن این عتوان به
ست گرایان به ذاتی مقدار بیته قرار گرفته به
از سر دفعه از سنت گرایان، چنان از خوف ممنون
جلوه داده شدن ایشان لستا
اما جالبترین و در میان حال تجهیز اورتین

و ایضاً صادقه ترین سخن استاد مروش آنجایی است که صراحتاً پیوند و ترقی سپاه پاسداری روزمره را با آراء و تصریحات خوبش بر ملامت می‌کند. استدیاطم که بارهای از بوستان به دلیل شکست در انتخابات من گویند چون مستحبه هارا فرونهادم، دچار این اسپیهای معمیت شده بیم بدان این باید پر گردید به همان آینین هایی منتهی و هیئت های مذهبی و عزیزداری این نگاه سه مهله کی بوانی روشنگری دهنی است این تحمل، تحلیل صائزهای است روش رشته خرد را گم کردن است.

فقطها بین جمهوری اسلامی روسیه، مصادر معتبری
گفت از همین دلایل نمیتوان روشنگری دینی
و سیاست روزمره بارها به آن اشاره شد پس دیگر
برازی به ذکر مجدد نیست.
اما کنکت دیگری که جای برداختن به آن
اعسل می شود تقدیم اشان بر اتزام برخی از
روشنگران دینی به ملوازین شرعی و فقهی
گفت این دین که هنوز پر از ایروان
و چوگان خود را به فقهیانی می بیارند که در
تفتشان ایجاد سیاست داردند یا در دور سیاسی
بینگانی همان تدبیر اخلاقی است که در میان
آن انتقاده ای منجذبه گردید، خوش بود که

هزار شنگرکان دهتی پاید آینین ها و مناسک ویژه
نمود و ایرپا اکند و تغایر شان پاد گران در این
وجه چشمگیر باشد.

آن موجود دستویلستانی می بینند که بیم
امارات میزود ایشان را بر تعریف خلائق انسانی
و پیغمبر شناسی سخن من گوید که فی الواقع نز
پذیر است

ایمانلهه در دلت دین دوران پیش از شاهنشوه و پیش از تدوکنی و پیروستگیسم و محلی از ایرانی نذاره میشان کل دین و آموزهای آن را مجموعه ای از ایده های غرض کرند که محتاج بارسازی استه یعنی انجمن و تسلیم بر دین مستولی شد است که تبع تبریز تقدیم مدرن یاده از الشفاق دهد تا سپاهیت کلام به تقسیم پذیری فهم دین منجر شود فرد و این سخن کلامی از خود ایشان رانقل من گیرم هشیرت الهی محتاج بارسازی داشت این ساخته خداوند علیم استه ما فهم ما ز شریعت محتاج احیه و بارسازی استه این بارسازی همانا پارچت به وجود منطق دین مسکن استه به با تناقل مدعيت مسکولار است

اپسان بعروشی شتره نکرد دادن که آن همایدی
متوجهه چیسته آنچه که در پیک روپرکد روپا
سربرهن استه این است که ماقبلیخ گوش هایی
دینی را اورسی می کنیم اما همبار از ارض این
گوش های دینی در نظریک هروش نکر دینی
لطفیان با وجوده متونی دین و سیره و روش اولیه
آن استه
هر کود اردنوگسمی « معلول و روپرکد عرض
سکولاریستی و گله متجرله به دیت استه
اگر آن متدرهایی بخش اسلام که دلات بر
« خلالقی » کردن عرصه سیاست و جامعه خارج به
واسطه تداخل منش های سکولار و سنت های آنکه به
مباحث معرفتی دینی، متفقون واقع شود، تسلیم و
انجمندی را به اینسان می آورد که « خلالقی »
دانسته قدره آن استه

آنکه در این میان از این دو اتفاق
که باز هم داشتند مدرنیست
لستخراج آن دیشه های مدنی از متون قدسی
در ایران حکایت خود را بازی دارد. گروهی از
متینان از آنجا که دشنه و هر سی سی تقوی از آن
ماهیت پاره سی بر محکمات دیابت و داشتند
در عصری که «مارکس بلوری» یه علمی
لذت گشیدن «ذنیه شده بود. در وادی ای گل

از احکام و شرایع دین و کوشش برای علمی
شان دادن احتقام جزوی دین، اگرچه کوشش او
سر خیرخواهی بود، لیکن نقاد آن ویزگی هایی
بود که بتواند جزو مقولات فهم و معرفت دینی
به شمار آید از این از پیتحت محجوب است اعلیٰ
دین و احکام دین را هستراز و همسنگ بافان
غاصه ترمودینامیک دانستن در نهایت چیزی جو
خسروان عقیدتی به چای نمی گذرد
قصه یاران **«حصہ استخاراج»**

عصر استخراج به پایان رسیده است. فیاض
به دنبال استخراج قدیمی‌ترین مدون از متون
دینی رفتہ استخراج مدرن ترین از متون دینی یکی
از چهل‌ها عیار بود که کثیری از متذکران مؤمن و
مسلم در ایران و پیران از ایران به مدون آن
فرغ نگشته‌اند.

لستخراج» بروگی توصیف تاریخ روشنگری
دین ایران، ناقص پک رویکرد پویای نظری و
توعی فر آن دلگاه‌نیسم غایبیار» معرف است
شگفت از تو انکه عرب و بعضی های سیاسی در
این روز گار پرورنگ و روسای وطن ملادهات تجلیل
ورزیدند بر بدیهیات تونیک می شود از ازال
این است اگر حکم اخلاقی اجتماعی با هر چشم
دیگری در وجوده متوفی دین با آراء یک مذکوب
فلسفی مدنی مخصوصی داشته اشاره به این
همدلی، «لستخراج» است؟
روشنگری دینی می کوشد که دین نه است
شهه دینی - استوار باقی بماند و این استواری
به بیان نقد توانست و مدرسه هیئتور است